

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله علي اعدائهم اجمعين من الان الي قيام يوم الدين

یادآوری 1؛ صورت اول فرع سوم

عرض کردیم که فرع سوم دو بخش یا دو صورت دارد؛ صورت اول این بود که اگر مصلي بعد از سلام نماز علم پیدا کند که دو سجده از دو رکعت فراموش شده، این بحثش بحمدالله گذشت. البته يك تعلیقه‌اي از مرحوم محقق عراقی (ره) باقی مانده که این تعلیقه چون با بخش دوم هم ارتباط دارد ما می‌گذاریم این تعلیقه‌ي مرحوم عراقی (ره) را آنجا مطرح می‌کنیم. پس بخش اول این بود که اگر علم پیدا کند بعد از نماز به اینکه دو سجده از دو رکعت از او فوت شده، ما به این نتیجه رسیدیم که در اینجا بین این سه صورت فرقی نیست؛ یعنی:

«فرض اول»: یا یقین دارد که این دو سجده من الاولتین است؛

«فرض دوم»: یا یقین دارد که این دو سجده من الآخرتین است؛

«فرض سوم»: یا شك دارد، یعنی نمی‌داند از اولتین است یا آخرتین؛

در این صورت باید بعد از نماز، قضاء دو سجده را انجام بدهد؛ و عرض کردیم به نظر ما خلافاً للمشهور سجده‌ي سهو لازم نیست. اما مرحوم سیّد (ره)، مرحوم امام خمینی (ره) به تبع مشهور، سجده‌ي سهو را هم مرتّین لازم می‌دانند، دو سجده‌ي سهو مال يك سجده‌ي فراموش شده و دو سجده هم مال سجده‌ي فراموش شده‌ي دوم.

یادآوری 2؛ صورت دوم و نظریه امام خمینی (ره)، سید یزدی (ره) و مشهور

عبارت مرحوم سیّد (ره) در ذهن شریف‌تان هست و همچنین عبارت تحریر امام (ره) که باز مشهور هم همین را می‌گویند که بین آنجایی که بعد از نماز علم پیدا می‌کند با آنجایی که در اثناء نماز علم پیدا می‌کند فرقی وجود ندارد.

بررسی صورت دوم فرع سوم از منظر محقق خویی (ره)

اما صورت دوم که امروز می‌خواهیم عنوان کنیم این است که حالا اگر مصلي در اثناء نماز علم پیدا کند؛ به اینکه دو سجده از دو رکعت از او فراموش شده، نمازش را تمام نکرده، در اثناء نماز چنین علمی را پیدا می‌کند، حالا اینجا هم صور و فروعی دارد که ما باید این فروع را بیان کنیم.

«فرض اول»: آنجايي است كه بعد از دخول در ركن، علم پيدا مي‌كند؛ مثلاً در ركوع ركعت ثالثه علم پيدا مي‌كند به اينكه يك سجده از ركعت ثانيه و يك سجده از ركعت اولي از او فوت شده و الآن هم وارد و داخل اين ركن شده. اين فرض به هيچ وجهي محلّ خلاف و بحث نيست و بحثي هم ندارد؛ يعني نمازش را ادامه مي‌دهد، نمازش را تمام مي‌كند، بعد هم كه نمازش را تمام كرد دو سجده را قضاءً بايد انجام بدهد، اين يك فرض.

«فرض دوم»: آنجايي است قبل از دخول در ركن، علم پيدا مي‌كند؛ مثلاً در ركوع ركعت ثالثه داخل نشده، «لم يدخل في الركن»، و داخل در ركن نشده؛ يعني الآن ايستاده در ركعت ثالثه و يقين و علم پيدا مي‌كند به اينكه دو سجده از او فوت شده، ولي «لم يحتمل» كه يكي از اين دو سجده‌ها مال ركعت قبلي باشد، حالا مثالش را اينجا بايد بياوريم به اين بيان كه «لو قام إلي الرابعة»، چون مثال ثالثه را كه بزني غلط مي‌شود! اگر كسي بلند شد ايستاد براي ركعت چهارم، علم پيدا مي‌كند دو سجده از او فوت شده، اما احتمال نمي‌دهد يكي از اينها مال سجده‌ي ركعت سوم باشد، مي‌گويد اين دو سجده يكيش مال اول است و يكيش مال دوم. اينجا هم باز مثل صورت قبل است، يعني همان طوري كه در صورت قبل گفتيم: «لا إشكال في وجوب قضاء السجدين»، اينجا هم كه الآن بلند شده ايستاده براي ركعت چهارم و علم پيدا مي‌كند دو سجده از او فوت شد، «و لم يحتمل» كه مربوط به اين ركعت اخيره باشد كه ركعت سوم است. مربوط به ركعت اول و دوم است، اولين است، اينجا هم باز نمازش را ادامه مي‌دهد و تمام مي‌كند و بعد بايد قضاء دو سجده را انجام بدهد.

در اينجا فرض ما اين است؛ «لو قام إلى الرابعة فعلم حينئذ بفوت سجدين من الأولين، أو رفع رأسه من السجدة الأخيرة و علم بترك سجدين من الركعات السابقة»، نه از اين ركعتي كه الآن داخلش هست، الآن در سجده‌ي ركعت چهارم «رفع رأسه من السجدة الأخيرة»، علم پيدا مي‌كند كه از اولي و دومي يا از اولي و سومي يك سجده‌ي فوت شده. دخول در ركن را هميشه نسبت به آن ركعتي كه در آن هستند ملاحظه مي‌كنند و الا شما نفرماييد الآن كه «رفع رأسه من السجدة الأخيرة»، بالأخره نسبت به سجده‌ي ركعت سوم «دخل في ركوع الرابعة و دخل في الركن»، نه! الآن در اينجا اين سرش را از سجده‌ي اخيره از ركعت رابعه برمي‌دارد، يا نه! اصلاً «قام للرابعة»، مي‌ايستد بر ركعت چهارم، هنوز به ركوع نرفته. «لم يدخل في الركن»! اين يك عنوان. «و لم يحتمل» كه اين سجده مال اين ركعت اخيره باشد و لذا حكمشان هم يكي است فقط فرقش اين است كه اينجا وقوع الشك مسئله‌ي دخول در ركن در آن مطرح نيست و عنوان نمي‌شود، چون دخول در ركن مربوط به آن ركن قبلي است، شما اگر در سجده‌ي ركعت ثالثه رفتيد و بلند شديد ركوع كرديد، الآن در ركعت رابعه بعد از سجده اخيره شك كنيد، اينجا ديگر مسئله دخول در ركن مطرح نيست.

«فرض سوم»: آنجايي كه قبل از دخول در ركن، علم پيدا مي‌كند به فوت دو سجده منسيه و احتمال هم مي‌دهد كه مربوط به اخيره باشد.

بررسي تقسيم منطقي امام خميني(ره) در مقام

تعبيري كه امام خميني(ره) در كتاب «الرسائل العشر» ص 122 دارند اين است كه مي‌فرمايد: «أما إذا حدث في أثناءه» يعني «حدث العلم في أثناء الصلاة» □ «فأما أن يعلم أن السجدة الثانية المنسية من أية الركعات أو لا، فعلي الأول فإن دخل في الركن فلا إشكال في وجوب قضاائهما و سجدي السهو مرتين رجع فأتى بها، و قضى السجدة الأولى، و أتى بسجدي السهو لنسيانه» اين يك فرض و «إن لم يدخل» فرض دوم. آن وقت آنجايي كه «إن لم يدخل و علي الثاني»، آنجايي كه عرض مي‌شود «لم يعلم» به اينكه اين سجده منسيه از كدام ركعات است، «إذا احتل كونها من الركعة التي بيده فإن كان في المح